

منطقه

۴

تازه‌ترین روایت از «کشف رود» که از روزگار فردوسی تا کنون در پیچ و خم غصه‌ها تاب خورده است

مرگ تدریجی رود اساطیری

دهان از دهای این رود را خونین کند و سر سبزی و طراوتی را که شایسته وز بینه دولايت توس است به آن برگرداند. در شاهنامه دوبار از این رود نامی ولایت توس در داستان منوچهر نام برده شده است. ۲۵ اردیبهشت، روز بزرگداشت فردوسی بزرگ، بهانه‌ای شد تا به سراغ کشف رود برویم، رودی که نقل آن در شاهنامه فردوسی نیز آمده و یکی از مکان‌های تاریخی و اسطوره‌ای توس است. آنچه دیدیم همان وضع اسفناکی است که این رود، طی سالیان گذشته به آن مبتلا بوده است.

سعید جلائی، مسئولان سامان دهی «کشف رود» اگر به این موضوع بیشتر توجه کنند که بلندای عمر این رود به روایت‌های اساطیری شاهنامه پهلومی زند و کشف مایه حیات شهر توس بوده است و هست، لحظه‌ای از حیات دادن به آن غافل نمی‌شدند. هر چند وعده و وعید هادر این باره کم نبوده است. احداث تصفیه‌خانه و سامان دهی حریم کشف همیشه نقل زبان مدیران شهری بوده است اما سال‌هاست حال زندگی کسانی که مجاور این رود زندگی می‌کنند چندان خوش نیست و حضور کسی چون سام‌نریمان رامی طلب‌دا

● روایت ساکنان از همسایگی با يك رود

گرچه در خیلی از روایت‌ها کشف رود منبع حیات و همچنین تفرجگاه مردم بوده است و خیلی‌ها در آنجا به شکار مشغول بوده‌اند، اما اهمیت کشف رود بر وزن «نمک سود» به دلیل برخی اشعار حماسی فردوسی است که در آن، از این رود اسطوره‌ای نام برده شده است.

هنوز هم برخی از مردم به استناد برخی از منابع، علت نام گذاری کشف (لاک پشت) را لاک پشت‌هایی می‌دانند که در این رود خانه و حوالی آن می‌زیسته‌اند. از همه این‌ها که بگذریم، روایت کسانی که در همسایگی آن زندگی می‌کنند شیرین است. بسیاری از ساکنان امروز حاشیه کشف رود خانواده‌هایی هستند که چندین نسل است در همسایگی این رود سکونت دارند: اهالی روستاهای مختلف مثل شترک، خین عرب، گرجی و زین الدین. با وجود این، یک تفاوت عمده میان آن‌ها و پدرانشان هست. پدران و پدربزرگ‌های آنان به دلیل آب و هوای خوب حوالی کشف اینجا را برای سکونت انتخاب کردند و حالا آن‌ها و برای حفظ سلامت خانواده خود می‌خواهند از محل سکونت آبا و اجدادی‌شان بگریزند و بروند. علقه و عشق به خاک این حوالی آن قدر زیاد است که پای خیلی از آن‌ها را برای رفتن

اواز سر استیصال حرف می‌زند. از مای خواهد مسئولان را با خودمان به محل ببریم یا حرف‌هایش را به آن‌ها منتقل کنیم، شاید این درد را کودکان دیگر تجربه نکنند. او ما را در مسیر همراهی می‌کند. همان‌طور که با هم قدم می‌زنیم، به مسیر فاضلابی می‌رسیم که از انتهای بولوار ینجتن وارد کشف رود می‌شود. می‌گوید: این جریان آبی است که به رودخانه کشف رود می‌ریزد. شاید از دور به نظر تماشایی بیاید اما در واقع، پسماندی پر از آلودگی است و این آب در مزارع ما استفاده می‌شود.

● جان شهر در خطر است

او حرف می‌زند و ما به حرف‌هایش فکر می‌کنیم. می‌گوید: کافی است دور بینی اینجا بگذارد. آن وقت خواهید دید چقدر راحت آب از کانال‌های فاضلاب خانگی، کارخانه‌های تولیدی به ویژه چرم و تانکرهای فاضلاب به رودخانه می‌ریزد. مسیر را که دنبال کنید، می‌بینید آب چگونه شبانه توسط تعدادی از کشاورزان وارد مزارع می‌شود و پای درختان و سبزی‌های رود و چند روز بعد همین محصولات را در میوه‌فروشی‌های سطح شهر خریداری می‌کنیم.

● وعده عمل نشده شرکت آب و فاضلاب

محمد حسین زاده، عضو شورای اجتماعی محله التیمور، یکی از کشاورزان مجاور کشف رود است. آن‌ها مزارع‌ای خانوادگی دارند و این حرفه نسل به نسل پیشان چرخیده است. محمد

سست می‌کند، مثل علی عارفی که زادگاهش همین جاست. عارفی ۴۶ بهار را در همین حوالی دیده است و هنوز در خانه پدری‌اش در روستای زین الدین سکونت دارد. او تعریف می‌کند: روزگاری پدر بزرگم به دلیل آب و هوای خوب روستای زین الدین زمینی کشاورزی می‌خرید. بعد هم این جاساکن و مشغول کشاورزی می‌شود. ما حاصل آن اتفاق شیرینی می‌شود که کار کشت و برداشت گندم رونق می‌گیرد تا آنجا که نیاز شهر را برطرف می‌کند.

علی آقا هیچ وقت نتوانسته است گزینۀ ای را برای سکونت، جایگزین محله‌ای کند که در آن زندگی می‌کند. دلیل آن جریان زیبایی است که در سال‌های نخست زندگی‌اش تجربه کرده است. تعریف می‌کند: تا شش سالگی در حاشیه همین رود، بازی و شناسی کردم اما یکبار همه چیز تغییر کرد. متأسفانه از اواخر دهه ۵۰ شفاف‌ی و زلالی آب رودخانه از بین رفت و نتیجه‌اش این شد که آب بوی نامطبوعی گرفت و ماهی‌ها یک‌به‌یک مردند.

● کشف از دور تماشایی است

ابوالفضل سیرجانی یکی از اهالی روستای شیر حصار است و مثل خیلی‌های دیگر نتوانسته است دل از زادگاهش ببرد. نمی‌داند دل نگران پدر و مادرش باشد که ساکن این محدوده اند و مبتلا به بیماری‌های ریوی و گوارشی یا غصه‌پس‌ش را به دوش کشد. صورت پسر خردسالش را نشانمان می‌دهد که پشه‌سالک آن‌را گزیده و زخم آن نرفته است. آقا ابوالفضل تعریف می‌کند: هر چه فکر کنید دارو و درمان کردیم. تزریق ۲۱ آمپول هم کار ساز نشد.

کشف، زیستگاه انسان ابزار ساز



پیدایش ابزارهای سنگی شامل ساطور و تیغه‌های هشتصد هزار ساله و حتی یک میلیون ساله در کناره‌های کشف رود، این

منطقه را در شمار نخستین زیستگاه‌های انسان ابزار ساز در آسیای غربی قرار می‌دهد. نام کشف رود تنها در قرون چهارم و در شاهنامه فردوسی دیده می‌شود. مهدی سیدی، مشه‌د پژوه، هم در کتاب جغرافیای تاریخی شاهنامه آورده است: سرچشمه کشف رود در کنار شهر رادکان واقع در هفتاد کیلومتری شمال غرب مشهد قرار دارد و رودخانه‌های فرعی دیگری از دورشته کوه هزارمسجد و بینالود به آن می‌ریزند. کشف رود از حدود یک فرسنگی شمال مشهد می‌گذرد و در محل پل خاتون واقع در جنوب شرق سرخس با فاصله تقریبی ۱۵۰ کیلومتر به هریرد می‌پیوندد.

#کشف_رود #رود_اساطیری

کشف رود

کشف رود